

فهرست

یک

۲۷۷

پیشگفتار مترجمان

پیشگفتار مؤلف

یمه - یمه - جم

۲۸۳

منابع هندی، اوستایی و پهلوی

۲۸۵

منابع هندی

۲۹۷

منابع اوستایی

۳۱۱

منابع پهلوی

۳۲۷

ریشه‌ها و تحول افسانه‌یمه / جم در هند و ایران تا پایان دوران زردشتی

۳۶۷

منابع پارسی متأخرتر

۳۸۷

نسب نامه جم در سنت قدیم

جم در خداینامه و روایات دوران اسلامی

۳۹۳

منابع قدیم اسلامی

۴۲۹

نسب نامه جم در خداینامه

۴۳۳

روایت خداینامه و منابع قدیمی عربی و فارسی

منابع متأخرتر از قرن سیزدهم

۴۴۵

منابع متأخرتر از قرن سیزدهم

جم در روایات عامه و در شعر پارسی

۴۵۷

جام سحرآمیز

تکمله

۴۷۱

نوروز

۴۹۹

اضافات و اصلاحات

منو

۵۰۵

بازمانده هایی از افسانه های منو در جهان افسانه ای ایران

یادداشت هایی از مترجمان

فهرست راهنمای

۵۱۵

۵۲۳

پیشگفتار متر جمان

موضوع اصل بشر و نخستین انسان یا نخستین زوج بشر و نیز نخستین کسی که بر این جهان فرمانروایی کرده است، پیوسته در میان اقوام گوناگون از موضوعات مورد علاقه بوده و همواره تصور آدمیان را به خود مشغول داشته و در اسطوره‌ها و داستانهای عامیانه و دینی و در ادیان گوناگون از آن سخن رفته است. در اساطیر و ادیان ایرانی باستان نیز مطالب در این باره بسیار است که محققان جدید به بررسی آنها پرداخته‌اند. دو جلد کتاب کریستن سن با عنوان نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهربیار در تاریخ افسانه‌ای ایرانیان جامع‌ترین پژوهشی است که تاکنون در این باره انجام گرفته است. مؤلف با همتی بلند و کوششی پی‌گیر مطالب گوناگون را از منابع مختلف گردآورده، طبقه‌بندی کرده و به تحلیل آنها پرداخته است.

در ترجمه هر دو جلد از این کتاب کوشش ما براین بوده است که با مراجعته به اصل همه متونی که کریستن سن نقل کرده است، لغزشها را به کمترین برسانیم و با ترجمه‌هایی که از متون در حواشی کتاب عرضه شده و مبتنی بر تحقیقات خود مترجمان یا دانشمندان دیگر است، به نوشه‌های او، در حد امکان، اعتلای بیشتری ببخشیم. افزون بر آن، برخی مطالب مهمی را که مؤلف در هنگام تألیف اثر خود در اختیار نداشته است، در حواشی کتاب با نشانه (م) یا در پایان آن با عنوان «یادداشت‌هایی از مترجمان» آورده‌ایم. یادآوری دوستان علاقه‌مند ما را بر آن داشت که خلاصه‌ای از مطالب این دو مجلد را برای اینکه خواننده غیرمتخصص نیز بتواند آسانتر به آنها پی ببرد، در دسترس بگذاریم. البته بر آن نیستیم که همه کتاب را مجدداً بازگویی کنیم، فقط می‌کوشیم تا دریافت‌های مؤلف را که با تحلیل عالمانه‌ای پس از ذکر همه موارد مورد نظر از متنهای ویدایی، اوستایی، پهلوی، عربی و فارسی به آن می‌رسد، عرضه

داریم، باشد که خواننده ارجمندی که وقت یا حوصله غور در ریزه کاریهای تخصصی این دو مجلد را ندارد و در عین حال علاقه مند به داشتن برداشت کاملی از این اسطوره هاست، خواسته خود را در این پیشگفتار بیابد.

در اساطیر ایرانی عنوان «نخستین انسان» یا «پیش نمونه»^۱ فقط به گیومرث تعلق ندارد، شخصیتهای دیگری هم در دورانهای مختلف و در جاهای گوناگون چنین لقبی را داشته اند مانند مُنُ، جم و جَمِیگ، مَشی و مَشیانه، هوشنگ و تهمورث^۲. بعضی از اینان احتمالاً میراثی از دوران هندواروپایی هستند مانند مُنُ که نام او در منوچهر (= از نژاد مُنُ) بر جای مانده است. برخی به دوران هندوار ایرانی تعلق دارند مانند جم و خواهرش جَمِیگ، و برخی صورتهای انتزاعی هستند که به آنها شخصیت داده شده و «نخستین انسان» شناخته شده اند و نوعی تجلی از «غول نخستین» به شمار می روند مانند گیومرث. مَشی و مَشیانه را باورهای زردشتی به وجود آورده اند. بعضی دیگر از این شخصیتها نمونه های «نخستین انسان» در میان اقوام ایرانی به شمار می رفته اند و به تدریج این مقام را از دست داده و در تاریخ افسانه ای ایرانیان شاه محسوب گشته اند مانند هوشنگ و تهمورث.

گیومرث

مطلوب با گیومرث آغاز می شود و برای آشنایی با این شخصیت، آشنایی با اسطوره آفرینش در باورهای ایرانی لازم است:

آغاز و انجام آفرینش در زمانی محدود به درازای دوازده هزار سال انجام می گیرد که از زمان بیکران جدا شده است و به چهار دوره تقسیم می شود. در سه هزاره اول، عمر جهان در حالت «مینوی»^۳ سپری می گردد که روشنی از تاریکی، و قلمرو اورمزد از قلمرو اهریمن جداست و خلا در میان آنهاست. اورمزد بادانش کامل خود از وجود اهریمن آگاه است و می داند که به جهان روشنایی تجاوز خواهد کرد و اهریمن، به دلیل نادانی، از وجود جهانی

(۱) prototype
 (۲) دو داشمند ایرانی بر آنند که سیاوش نیز در اصل پکی از نمونه های نخستین انسان بوده است. نک به: بهمن سرکاری، شاهنامه شناسی، ۱، از انتشارات بنیاد شاهنامه فردوسی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۱۱۶؛ جلال خالقی، ایران نامه، چ ۲، ش ۲، س ۵۲.
 (۳) در عالمی نادیدنی و نامحسوس.

دیگر و اورمزد و روشنایی بی اطلاع است. اورمزد در دوران «مینوی» موجودات را به صورت «مینوی» می‌آفریند، اینها ابزارها یا نیروهای او در نبرد آینده او با اهربیمن خواهند بود. مبارزه دو نیروی خیر و شر در پایان سه هزاره اول آغاز می‌شود، بدین گونه که بارقه‌ای از نور که از مرز جهان تاریکی می‌گذرد، اهربیمن را از وجود جهان دیگری آگاه می‌کند و او را به یورش به سوی آن وامی دارد، اما در برابر آفرینش اورمزدی ناتوانی خود را در می‌یابد و به پس رانده می‌شود و «ضد آفرینش» خود را آغاز می‌کند، یعنی در مقابله با آفریدگان اهربایی، موجودات بدکار و دیوان گوناگون را در عالم «مینوی» به وجود می‌آورد. اورمزد به اهربیمن پیشنهاد آشتی می‌کند به شرطی که اهربیمن آفرینش او را بستاید. اهربیمن آن را نمی‌پذیرد، ولی رضایت می‌دهد که مدت نبرد میان نیکی و بدی نه هزار سال (سه دوره سه هزار ساله) باشد. از این نه هزار سال، سه هزار سال اول بنابر میل اورمزد خواهد گذشت، سه هزاره دوم آمیزشی از خواست اورمزد و اهربیمن خواهد بود و سه هزاره آخر دوران ناتوانی تدریجی اهربیمن است.

بدین ترتیب در آغاز سه هزاره دوم از کل دوازده هزار سال که با یورش اهربیمن آغاز می‌گردد، ناتوانی و بیهوشی او را به دنبال دارد. چون اورمزد دعای راستی (اهونور) را بر زبان می‌آورد، نیروی معنوی این دعا اهربیمن را به بیهوشی سه هزار ساله فرو می‌برد. در این دوران اورمزد به آفرینش «گیتی»^۴ می‌پردازد. او آسمان، آب، زمین و نمونه‌های نخستین یا «پیش‌نمونه»‌های گیاه و چارپا و انسان را می‌آفریند. بدین گونه گاو «یکتا آفریده» (ایوک داد) پیش‌نمونه حیوانات سودمند و گیومرث، پیش‌نمونه انسان، در این سلسله مراتب به وجود می‌آیند. همه خلقت در شش نوبت در طول یک سال ۳۶۵ روزه انجام می‌گیرد که سالگرد آنها جشن‌های فصلی (گاهنبار) است.

اورمزد گاو یکتا آفریده را در ایرانویج (سرزمین اصلی ایرانیان) در میان جهان و در کنار رود اساطیری دائمی خوب، در ساحل راست آن، آفرید و گیومرث را در ساحل چپ آن. این گاو مانند ماه سفید و روشن بود و قامتی به بلندی سه نای داشت. اورمزد او را در مدت ۷۵ روز آفرید و سپس پنج روز درنگ کرد که همان پنج روز جشن گاهنبار پنجم است. گیومرث را از روشنی بی‌پایان ساخت که همچون خورشید روشن بود و قامتی به بلندی چهار نای داشت و پهناش با قامتش برابر بود. آفرینش گیومرث هفتاد روز به درازا کشید و پس از آن اورمزد به مدت پنج روز درنگ کرد که همان آخرین گاهنبار است. در این سه هزار سال گیومرث حرکت نمی‌کرد، نمی‌خورد، سخنی نیز نمی‌گفت، بلند بالا همچون پسر جوان پانزده ساله‌ای بود،

^۴) «گیتی»: صورت مادی، مرئی و محسوس موجودات.

نورانی و سپید. این آفریدگان «گیتی» در این مدت سه هزار سال همچنان بسی حركت و بی فعالیت بر جای ماندند. اهریمن نیز همچنان در بهت فرو رفته بود. دیوان بیهوده می کوشیدند تا او را به فعالیت برانگیزنند. تنها هنگامی که دیوُزْنی که جَهی نام دارد و نماد زن بدکاره و پلیدیهای زنانه است، برای دومین بار کارهای بد خود را برشمرد و به او قول داد که در نبرد با اورمزد و برای آزردن گاو و گیومرث و همه آفریدگان اورمزد او را یاری دهد، از بهت زدگی بیرون آمد.

در پایان دومین سه هزاره اهریمن به شکل ماری از بخشی از آسمان که در زیرزمین قرار دارد، بیرون می پرد و بر زمین می جهد. از آب که در زیرزمین است می گذرد و زمین را سوراخ می کند. حمله او تاریکی و وحشت به همراه می آورد، گیاهان پژمرده می شوند و زمین از جانوران مودی و زهرآگین انباسته می شود و گرسنگی و نیاز و آزو همه انواع رذائل و آفات بر گاو و گیومرث می تازند. پیش از رسیدن اهریمن بر گاو، اورمزد میوه شفابخشی را با آب در پیش چشم او می ساید تا مرگ را آسان تر تحمل کند. سپس گاو نزار می شود و بر پهلوی راست می افتد و می میرد. به سبب داشتن طبع گیاهی، از اندامهای او ۵۵ نوع غله و ۱۲ نوع گیاه شفابخش از زمین می روید. مُداد آمشاسپند نطفه گاو را به ماه می برد و آن را با ماه می پالاید و به صورت نمونه های انواع گوناگون حیوانات مفید مرتب می کند و جان در تن آنها می نهد. در ایرانویج دو گاو به وجود می آیند، یکی نر و دیگری ماده، و از انواع حیوانات مفید ۲۷۲ نوع در زمین ایجاد می شود. مرغان در هوا ماهیان در آب می زیند. برای اینکه گیومرث یورش اهریمن را آسان تر تحمل کند اورمزد او را به خوابی فرو می برد و چون از خواب بیدار می شود، می بیند که جهان با بدیها آمیخته شده است و کاملاً تاریک و انباسته از جانوران مودی است. آسمان با خورشید و ماه شروع به حرکت کرده است و در جهانی که دیوان بزرگ (مازنی) آن را آشفته کرده اند هفت سیارة اهریمنی با اختران در نبرد آند.

برای از میان بردن گیومرث اهریمن آستویداد، دیومرگ، را با هزار دیو مرگ آور یا با هزار فرتوتی و بیماری بر گیومرث رها می کند، اما آستویداد و پیروانش نمی توانند کار گیومرث را پیش از آن که زمان مقدّر برای مرگ او فرا رسید تمام کنند، زیرا در لحظه‌ای که دشمنی مجدد اهریمن آغاز شد، یعنی پس از پایان دومین دوره سه هزار ساله، مدت زندگی و سلطه گیومرث سی سال مقدّر شد و به همین مدت در سومین دوره سه هزار ساله زیست. در لحظه مرگ، گیومرث بر پهلوی چپ افتاد، و چون در گذشت از اندامهای گوناگون او هشت نوع کانی که دارای طبیعت فلز بودند، بیرون آمدند: زر، سیم، آهن، روی، قلع، سرب، آبگینه و الماس. نطفه